

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

دوم دسمبر ۲۰۱۱

فاشیسم

فاشیسم عبارت است از دیکتاتوری خونین و عریان مرتجع ترین نمایندگان سرمایه مالی امپریالیستی و شوینیسم عظمت طلبانه فاشیسم وسیله ای است در دست این عناصر برای تضمین حاکمیت آنها بر کلیه زمینه های حیات اجتماعی و ایجاد یک اقتصاد ملی مبتنی بر صنایع نظامی جهت تدارک جنگ امپریالیستی. فاشیسم با آمیختگی بیش از پیش سیادت سرمایه مالی و قدرت دولتی، مجموع دستگاه حکومتی را تحت سیادت کامل مرتجع ترین و متجاوز ترین گروه های سرمایه مالی و بورژوازی انحصارگر حاکم قرار می دهد، کلیه حقوق و آزادی های بورژوازی را ملغی می سازد و به اعمال ترور آشکار علیه کلیه نیرو های دموکراتیک و ترقی خواه خلق و قبل از همه علیه طبقه کارگر دست می زند. فاشیسم محصول بحران عمومی سرمایه داری و واکنش بورژوازی امپریالیستی در برابر این بحران و تدارکی است برای یک جنگ جدید و جهت تقسیم مجدد جهان و اشغال سر زمین های سایر کشور ها. فاشیسم یک نظام دولتی راهزنی سیاسی و ماجراجویی سیاسی است که در روابط خود با سایر کشور ها هر گونه حق حاکمیت ملی را با خشونت کامل زیر پا می گذارد. به همین جهت نه فقط منافع خلق همان کشور، بلکه همچنین منافع کلیه خلق های جهان را در معرض تهدید قرار می دهد. بنابراین، کلیه خلق ها و کشور های جهان نمی توانند نسبت به این تهدید و نسبت به نقض خشن اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشور ها بی تفاوت بمانند. فاشیسم با استفاده از تئوری های نژاد پرستانه، "ملی" گرایانه و در پوشش های مختلف عوامفریبانه نظیر "سوسیالیسم ملی"، "دموکراسی ملی"، "ضد سرمایه داری" (در دوران فاشیسم هیتلری) و یا "عالی ترین حق حاکمیت" و "ارتباط با منافع و امنیت ملی" (در دوران کنونی سوسیال فاشیسم در شوروی) می کوشد سیاست خارجی تجاوز گرانه خود را توجیه نماید و ماهیت طبقاتی فاشیسم حاکم را پنهان سازد. اولین رژیم فاشیستی در سال های ۲۰ قرن بیستم در ایتالیا مستقر گردید (در سال ۱۹۲۲). در سال ۱۹۳۳ در المان حزب فاشیستی "ناسیونال – سوسیالیست" به کمک انحصارات بزرگ، قدرت دولتی را در دست گرفت و فاشیسم خونین هیتلری را در این کشور مستقر نمود. فاشیسم هیتلری بارزترین سلطه فاشیسم است. در سال ۱۹۳۸، با کمک

فاشیست های المانی و ایتالیایی، فاشیسم در اسپانیا در نیز مستقر گردید. استقرار فاشیسم در المان علاوه بر استقرار دیکتاتوری سیاه در این کشور، با گسترش بی سابقه صنایع نظامی، و ایجاد یک اقتصاد و یک ماشین بزرگ جنگی، جهان را به یک جنگ ویرانگر جهانی (جنگ جهانی دوم) کشاند و فجایع و مصائب عظیم و غیر قابل جبرانی به همراه آورد. فاشیسم هیتلری و متحدین آن بالاخره توسط جبهه متحد ضد فاشیستی جهانی مرکب از کلیه نیرو های ضد فاشیست که در رأس آن پرولتاریای بین المللی و شوروی استالین قرار داشت و از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی به طور کامل در هم شکسته شد. جانبازی ها و مساعی قهرمانانه خلق شوروی و ارتش سرخ به رهبری استالین نقش تاریخی تعیین کننده ای در شکست جبهه فاشیسم ایفاء نمود.

با تبدیل شوروی سوسیالیستی به یک کشور سوسیال امپریالیستی و استقرار حاکمیت یک طبقه بورژوازی انحصارگر و سوسیال فاشیست در این کشور، فاشیسم و خطر شعله ور شدن یک جنگ جدید جهانی بار دیگر دنیا را در معرض تهدید قرار داد. بورژوازی انحصارگر دولتی و سوسیال فاشیست حاکم بر شوروی علاوه بر اعمال دیکتاتوری و ظلم و ستم علیه ملل شوروی و تبدیل این کشور به زندان خلق های شوروی، با تکیه بر قدرت متمرکز دولتی و نیروی عظیم نظامی و با ایجاد یک اقتصاد جنگی، سیاست به اسارت در آوردن خلق های جهان و سیاست جنگ و تجاوز و غارت را به طور افسار گسیخته ای دنبال کرد.

بورژوازی سوسیال شوینیست حاکم بر شوروی به خاطر تقسیم مجدد جهان و به آرزوی سیادت بر جهان درگیر یک رقابت تب آلود و به ویژه یک مسابقه تسلیحاتی جنون آمیز با ابر قدرت رقیب امپریالیسم جنایتگستر امریکا گردید که سر انجام این حرص و آز، شوروی را از هم پاشید و به بیشتر از ۱۵ کشور کوچک و بزرگ مبدل ساخت. اگر هیتلر با پوشش عوامفریبانه "سوسیالیسم ملی" به میدان آمد، سوسیال فاشیست های روسی با شعار "سوسیالیسم"، سیاست جنگ و تجاوز و مداخله و تعرض خود را توجیه می کرد. بورژوازی انحصارگر شوروی با تعرض آشکار، تجاوز نظامی مستقیم، مداخله و دامن زدن به جنگ های داخلی در کشور ها اقدام به توطئه و کودتا می کرد.

مائوتسه دون در همان آغاز حاکمیت این گروه سوسیال - امپریالیست بر شوروی به خلق ها و پرولتاریای جهان چنین هشدار داد: "اکنون در اتحاد شوروی دیکتاتوری بورژوازی اعمال می گردد، دیکتاتوری بورژوازی بزرگ، دیکتاتوری نوع فاشیسم المان، دیکتاتوری نوع هیتلر."^۱

همچنان که تجارب تاریخی و تجربه فاشیسم در جنگ جهانی دوم نشان می دهد، پیروزی در مبارزه علیه فاشیسم، فقط از طریق مبارزه متحد پرولتاریا و خلق های جهان و با ایجاد یک جبهه وسیع جهانی تحت رهبری پرولتاریای بین المللی ممکن خواهد بود.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

^۱ - مائوتسه دون: "مصاحبه به تاریخ ۱۱ ماه می ۱۹۶۴